

روایت فیاض زاهد از سرمایه‌گذاری آمریکا

محدودیت‌ها برطرف شده‌است

یک تحلیلگر مسائل سیاسی در خصوص احتمال سرمایه‌گذاری ۱۰۰۰ میلیارد دلاری از سوی آمریکایی‌ها در ایران و اینکه از این مساله چه کشورهایی منتضر خواهند شد، اظهار کرد: به‌نظر من، نه‌تنها این موضوع ضرر نخواهد بود، بلکه می‌تواند به ایجاد همگرایی و اتحاد به‌ای از شرکت‌های مؤثر، از جمله شرکت‌های بین‌المللی، در این فرایند کمک کند. بنابراین نباید به‌گونه‌ای صحبت کنیم که دیگر کشورها احساس کنند جایی برای آنها وجود ندارد. البته باید توجه داشت که کشورهایی مانند چین و کشورهای جنوب شرق آسیا که روابط اقتصادی قوی با آمریکا ندارند، ممکن است کمتر از این فرصت بهره‌برداری کنند. تجربه ایران در برجام و پس از آن نشان داد که به‌رغم تلاش‌های ایران برای جذب سرمایه‌گذاری از غرب،نیاپاداز فرصت‌های دیگرمانندهندو چین غافل‌شد زیرااین نکته بسیار حائزاهمیت‌است. فیاض زاهد گفت: در واقع، دولت‌های اروپایی و آمریکایی مالک شرکت‌هانیستند،بلکه به‌عنوان تسهیل‌کننده‌های بازار آزاد عمل می‌کنند. هرچند دولت آمریکا مانند سایر دولت‌ها دارای دولت پنهان است، تحلیلگران متخصص در حوزه اقتصاد و اقتصاد سیاسی آمریکا به خوبی متوجه موضوعاتی هستند که من به آن‌ها اشاره می‌کنم. به عنوان مثال، نقش پنتاگون و سازمان‌های مهمی مانند سازمان امنیت ملی در پشت بسیاری از عملیات اقتصادی شرکت‌های آمریکایی در طول تاریخ، به ویژه در آمریکای لاتین و دیگر کشورها، قابل توجه است. وی افزود: سرمایه‌گذاری که در مذاکرات غیرسیاسی مطرح شده، موضوعی است که بخشی از آن را از زبان آقای مرعشی شنیدید و من نیز به این‌طور مختصر به آن اشاره کردم. این ایده به این واقعیت اشاره دارد که ایران به دلیل عقب‌ماندگی در بهره‌وری و توسعه، همچنان کشوری جذاب برای سرمایه‌گذاری خارجی به شمار می‌آید. ایران ظرفیت جذب ۲ هزار میلیارد دلار پروژه‌رادر یک دوره ده ساله را دارد و اولویت‌های این پروژه‌ها نیز در مذاکرات غیررسمی با آمریکایی‌ها مطرح شده‌است. این استاد دانشگاه در این خصوص که چه چیزی می‌تواند تضمین‌کننده این ۱۰۰۰ میلیارد دلار باشد، بیان کرد: مهم‌ترین تضمین بازار است. اقتصاد آزاد که تحت‌تأثیر فرایند سود و زیان عمل می‌کند. بررسی‌ها و ارزیابی‌های ما نشان می‌دهد زمانی که آقای بن سلمان اعلام کرد که آماده است ۵۰۰ میلیارد دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری کند، آقای ترامپ از ایشان خواسته بود که این رقم را به ۱۰۰۰ میلیارد دلار افزایش دهد. حال تصور کنید که در یک بسته پیشنهادی به دولت آمریکا گفته شده که به جای تمرکز اولیه بر مسائل سیاسی، بهتر است از منظر اقتصادی وارد عمل شوند. این رویکرد می‌تواند هم روابط آرام و تدریجی با حسن نیت ایجاد کند و هم به شرکت‌های آمریکایی فرصت‌های بیشتری برای رشد و توسعه بدهد. وی ادامه داد: تصور کنید که ایران تصمیم بگیرد به شرکت‌های نفتی آمریکایی اجازه دهد در میدان بزرگ نفتی سرمایه‌گذاری کنند و تولید نفت را به ۶ یا ۷ میلیون بشکه در روز افزایش دهند. در عوض، این شرکت‌ها می‌توانند ۲ تا ۳ میلیون بشکه نفت را به عنوان بخشی از سرمایه‌گذاری و تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری در خطر زیان‌دیده و در پروژهای نفت، گاز و پتروشیمی که می‌توانند نزدیک به ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص دهد، به کار گیرند.

◀ **محدودیت برطرف شده**

این فعال سیاسی اصلاح طلب افزود: این امکان وجود دارد که در ارتباط با چند مگاپروژه همکاری صورت گیرد که به طور طبیعی سود زیادی برای شرکت‌های آمریکایی به همراه خواهد داشت. به عنوان مثال، اگر ایران امروز به بوئینگ پیشنهاد خرید ۴۰۰ هواپیمای مسافربری بدهد، این می‌تواند فرصتی استثنایی برای بوئینگ و همچنین شرکت‌های اروپایی مانند ایرباس باشد. اشتباهی که در برجام مرتکب شدیم، صرف‌نظر از تحلیل‌های دیگر، این بود که آمریکایی‌ها نتوانستند از بازار ایران بهره‌برداری کنند. اما اکنون با مذاکراتی که رئیس‌جمهور با رهبر انقلاب داشته‌اند، این محدودیت تقریباً برطرف شده و ایران آماده جذب سرمایه‌گذاری از سوی شرکت‌های آمریکایی است. زاهد در مورد اینکه، این سرمایه باید طبق اولویت‌ها صرف چه چیزهایی شود، اظهار کرد: پیشنهادات غیررسمی و غیرمستقیم مطرح شده شامل این موارد است: آمریکایی‌های می‌توانند در زمینه استخراج و توسعه صنعت نفت، گاز و پتروشیمی ایران سرمایه‌گذاری کنند؛ همچنین می‌توانند میادین نفتی را گسترش دهند و تکنولوژی استخراج گاز را بهبود بخشند که این پروژه به تنهایی حدود ۴۰۰ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. در دیگر پیشنهادات می‌توان به توسعه ۱۰ هزار متر اراه‌هن باری و ۱۰ تا ۱۲ هزار کیلومتر راه‌هن سریع‌السیر اشاره کرد که بتواند غرب و شرق و شمال و جنوب ایران را به هم متصل کند. علاوه بر این، احداث یک فرودگاه جدید در تهران با ظرفیت جابه‌جایی ۵۰ میلیون مسافر در سال نیز مطرح شده‌است. همچنین، ایجاد ایستگاه سیکل ترکیبی و تولید حدود ۵۰ هزار مگاوات انرژی خورشیدی و راه‌اندازی یک مگاپروژ، یک ابرپروژه در جنوب ایران در مناطق مکران و همچنین یکی ۲ بند دیگر که هر کدام می‌توانند منجر به شکوفایی راهبردی در اقتصاد ایران شود.

«آرمان ملی»، مخالفت هدمفند دلوپسان با مذاکرات رابرسی می‌کند

تلاش تندروها برای حفظ موجودیت

◀ **رسول منتجب‌نیا در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:** تندروها رفته رفته دست خود را رومی‌کنند



آرمان ملی - حمید شجاعی: مخالف مذاکره‌اند؛ حتی مذاکره‌ای که در آن منافع ملی تامین شود و شرایط کشور بهبود یابد. سخن در باب تندروها و دلواپسانی است که هر زمان صحبت از مذاکره برای حل مشکلات کشور به میان می‌آید، با شعارهای تند واکنش منفی نشان می‌دهند که چه نشسته‌اید کشور از دست رفت. در حالی‌که هیچیک از آنها نه درکی از مذاکره دارند، نه منافع ملی، نه دلسوز مردم هستند، نه بهبود شرایط جامعه و کشور برایشان مهم است. فقط منویات و منافع جریانی و جناحی خود را می‌بینند و از آنجا که همه چیز را با متر و معیار خود می‌سنجند، هر چیزی را که به صلاح کشور و مردم باشد، اما با منافع و منویات آنها مغایرت داشته باشد، رد می‌کنند و در مقابل آن موضع گرفته و تخریب می‌کنند. البته این نوع موضع‌گیری‌های آنها به امروز و دیروز مربوط نیست و با مذاکرات مسقط در دولت پزشکیان هم پدید نیامده، بلکه این جماعت از سال‌ها و بلکه ده‌ها قبل با مساله مذاکرات موضع و مساله داشته‌اند و بدون در نظر گرفتن اینکه نظام چه وضعی دارد و چه دولتی روی کار است، آتش تپوخانه خود را به سمت دولت و وزارت امور خارجه و تیم مذاکره‌کننده وقت به راه انداخته‌اند و حتی نسبت به تفرقه‌افکنی، افترا، اتهام، اهانت و هجمه دیگر بد اخلاقی‌ها نگرانی نشان نمی‌دهند. اگر به لحاظ تاریخی به عقب بازگردیم در زمان دولت اصلاحات و مذاکرات سعدآباد، در زمان دولت تدبیر و امید و مذاکرات وین، ژنو و لوزان، در زمان دولت مرحوم رئیسی و مذاکرات وین و هم اکنون در دولت وفاق ملی پزشکیان و مذاکرات مسقط تندروها قدم به قدم به تخریب و تخطئه هیأت‌های مذاکره‌کننده پرداخته‌اند و برای آن‌ها تفاوتی نداشته که دولت‌ها یا تیم‌های مذاکره‌کننده از کدام تفکر برخاسته باشند چرا که هم محمد جواد ظریف رئیس هیأت مذاکره‌کننده در زمان مذاکرات برجام را مورد حمله قرار می‌دادند و هم مرحوم امیر عبداللّهیان و علی باقری را که از جریان انقلابی بوده و مسئولیت مذاکرات را بر عهده داشتند. چنانکه حتی امروز در مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا که با موافقت رهبر انقلاب انجام شده به سید عباس عراقچی که با اختیار تام در مذاکرات مسقط حضور دارد نیز به خاطر انجام مذاکره حمله می‌شود. این رویه نشان می‌دهد که تندروها از هرگونه تعامل با دنیا و کسب منافع ملی روی گردان هستند و تمام تلاش خود را برای سنگ اندازی به کار می‌بندند و در این

راه حل همه مشکلات (اینجا حل مشکلات اقتصادی) یک چیز است و از قبل آماده است و جز همان که آنها می‌گویند (اینجا مذاکره با آمریکا) نیست. راه حل‌های دیگر خطاست. امروز زمان آن است که به جای تسلیم در برابر توهمات، و به جای «رویا فروشی» با خرد جمعی و مقاومت، از منافع ملی دفاع کنیم.» پرسش این است که کیهان نشینان چه زمانی به یاد دارند که از کشورهای منطقه و همسایگان گرفته تا کشورهای متحد و همراه ایران اروپایی‌ها و... اینگونه از مذاکرات با آمریکا استقبال کنند؟ حتی در زمان برجام نیز شاهد چنین شریاطی نبودیم، اما امروز جدای از سیل موافقان داخلی و خارجی فقط طیف افراطی و تندرو داخلی است که موضع متفاوت با تصمیم نظام گرفته است و در این بین هیچ نگرانی از باب شباهت احتمالی با موضع برخی دشمنان ندارند. اتفاقا همه عقلا مذاکره را حرکتی درست و قابل تحسین می‌پندارند و اعجاب و حیرت است که با وجود حمایت مقام معظم رهبری از مذاکرات و اینکه گام اول مذاکرات را خوب توصیف کرده‌اند هنوز هم رسانه‌ها دل‌ولپس مذاکرات را رویا فروشی تلقی می‌کنند و کلیت مذاکرات را زیر سوال می‌برند. بسیار جالب است که از این جماعت نوع نگاه و منویات خود را منافع ملی نام می‌نهند و هر کسی رویه اینها را نقد کند، از نظر آنها ضد منافع ملی است. در حالی‌که به کرات ثابت شده که آفت منافع ملی ورشد و پیشرفت کشور این نوع نگاه تندروها بوده است.

◀ **تندروها؛ بدون واهمه**

یک فعال سیاسی اصلاح طلب در خصوص اهداف تندروهای مخالف مذاکره اظهار داشت: حمایت از نظام و حمایت از مقام رهبری و انقلاب در عمل ظاهر می‌شود نه با تظاهر کردن و شعار دادن. یکی از صحنه‌های آزمون صداقت و عدم صداقت افراد، همین مساله مذاکره است. مساله مذاکره و بحث‌هایی که این روزها به موضع‌گیری کل نظام تبدیل شده، دیگر بحث دولت آقای روحانی یا آقای پزشکیان یا مرحوم رئیسی نیست بلکه کل نظام به این نتیجه رسیده است. حجت الاسلام رسول منتجب نیا به «آرمان ملی» گفت: شخص رهبر انقلاب که تا چندی قبل مذاکره را تجویز نمی‌کردند، اجازه دادند و تأکید کردند که تیم مذاکره‌کننده با هوشیاری بروند و بحث کنند. روسای سه قوه و جناح‌های مختلف نظام اعم از اصلاح طلب و اصولگرا همه روی این مساله تأکید دارند و همه بر اینکه قضیه هسته‌ای باید با مذاکره حل شود اتفاق نظر دارند. حالا اگر شخصی یا ارگ خاصی یا گروهی در این مساله برخلاف همه دست‌اندرکاران نظام اشکال تراشی کند و اصل مذاکره را زیر سوال ببرد، سخت می‌توان باور کرد که به فکر منافع ملی و منافع مردم است. دبیرکل حزب جمهوریت ایران اسلامی بیان کرد: این گروه تندرو در حال روگردن دست خود است و ماهیت خود را ابراز می‌کند تا از این به بعد عدم صداقت آنها پیش از پیش برای مردم روشن شود. وی تصریح کرد: گروه تندرو رادیکال در پاسخ قبل از اینکه به رونامه اسرائیلی‌ها رتص گزارش داد که پاسخ دهد که چرا دشمنان قسم خورده این کشور و این نظام موضوعی گرفته‌اند که شباهت دارد با موضع این افراد؟ آنها باید بگویند این شباهت و هماهنگی چه مبنایی دارد؟ این شباهت را چگونه می‌توان توضیح داد؟ بسیار زشت است برای کسی که خود را طرفدار نظام می‌داند.

«آرمان ملی»، تحولات غرب آسیا را بررسی می‌کند

آشوب در اراضی اشغالی

بوده ولی آنها بارها نشان داده‌اند که جان زندانیان برایشان اهمیتی ندارد به همین دلیل است که اعتراضات داخلی باشند آشیل رژیم اسرائیل محسوب می‌شود که یکی از عوامل سقوط یا تغییرات عمده دولت این رژیم خواهد بود. دور جدید حملات اسرائیل به نوار غزه هم با چراغ سبز آمریکا آغاز شده است و کشتار دسته جمعی فلسطینی‌ها را در دستور کار قرار داده است. حمله‌های اسرائیل و برنامه‌های جدید آمریکا در خاورمیانه تنها به دلیل سکوت کشورهای عربی است. تجربه نشان داده که نهادهای جهانی مانند سازمان ملل هیچ تحرکی در این زمینه ندارند این درحالی است که شاهد اعتراضات گسترده در کشورهای مختلف به خصوص دانشگاه‌های آمریکا هستیم. کشورهای جهان باید به صورت مستقیم وارد این جنگ یک طرفه شوند.» این تحلیلگر در همین مورد و با اشاره به چگونگی تحرک کشورهای منطقه ادامه می‌دهد: «کشورهای منطقه و آنهایی که خود را حامی ملت فلسطین معرفی می‌کنند باید روابط دیپلماتیک خودشان را با اسرائیل قطع کنند در این صورت است که اسرائیل دست از نسل‌کشی در غزه دست برمی دارد. در این وضعیت می‌بینیم که نه تنها اعتراضی به این حمله‌ها نمی‌کنند بلکه روابط اقتصادی خودشان را نیز تقویت می‌کنند شکی در این نیست که آنچه در لبنان و غزه می‌گذرد به زودی گریبان آنها را هم خواهد گرفت.»

◀ **ناآرامی در اسرائیل**

منابع رسانه‌ای عبری زبان گزارش داده‌اند که ارتش رژیم اسرائیل با بحرانی عمیق و بی سابقه در خصوص نیروهای ذخیره مواجه است. ویکتا عبری ۲۱ به نقل از رسانه‌های صهیونیستی گزارش داده‌است که از زمان آغاز جنگ علیه نوار غزه در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تا کنون، بیش از ۱۰۰ هزار صهیونیست از خدمت در نیروهای ذخیره خودداری کرده‌اند. این امر بزرگ‌ترین موج امتناع از خدمت نظامی از زمان جنگ لبنان در سال ۱۹۸۲ به‌شمار می‌رود. طبق این گزارش، گرچه علل این امتناع گسترده متنوع است، اما کارشناسان معتقدند کاهش چشمگیر مشارکت نیروهای ذخیره، حاکی از افول مشروعیت

سیاست ۳

گزارش

چرایی نادیده گرفتن اروپا در مسقط

حذف اروپایی‌ها از مذاکرات؟

مذاکرات میان ایران و دولت دونالد ترامپ که پس از بازگشت او به کاخ سفید آغاز شد، به یکی از مهم‌ترین تحولات دیپلماتیک سال ۱۴۰۴ تبدیل شده است. در حالی که کشورهای اروپایی، به ویژه بریتانیا، فرانسه و آلمان (تروئیکای اروپا)، در گذشته نقشی کلیدی در گفت‌وگوهای هسته‌ای با ایران داشتند، شواهد نشان می‌دهد که این بار از روند مذاکرات کنار گذاشته شده‌اند. این انزوا، پرسش‌هایی درباره جایگاه اروپا در سیاست جهانی، روابطش با آمریکا و استراتژی‌های ایران در قبال غرب مطرح کرده است. چه آنکه اروپایی‌ها از زمان مذاکرات منجر به توافق هسته‌ای برجام در ۲۳ تیر ۱۳۹۴، بازیگرانی کلیدی در دیپلماسی با ایران بودند. تروئیکای اروپا، همراه با آمریکا، روسیه و چین، در شکل‌گیری این توافق مشارکت داشتند و پس از خروج آمریکا در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ و پیروزی ترامپ، معادلات مبتکارانه‌ی مانند اینستکس آن را حفظ کنند. اما این تلاش‌ها به مرور به بن‌بست رسید. تاپیش از دور دوم ریاست جمهوری ترامپ، اروپا همچنان به عنوان میانجی در گفت‌وگوهای غیرمستقیم عمل می‌کرد. با این حال، پس از انتخابات ۱۵ آبان ۱۴۰۳ و پیروزی ترامپ، معادلات تغییر کرد. ایران در ۹ آذر ۱۴۰۳ مذاکراتی با تروئیکادر ژنو برگزار کرد که رویترز آن را «متمرکز بر نگرانی‌های متقابل» توصیف کرد. این نشست، آخرین حضور رسمی اروپا در گفت‌وگوها پیش از کنار گذاشته شدن بود. از آن زمان، گزارش‌ها حاکی از آن است که مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم ایران و آمریکا، به ویژه در عمان، بدون هماهنگی با اروپا پیش رفته است.

◀ **تغییر سیاست خارجی ترامپ**

دونالد ترامپ پس از بازگشت به قدرت، رویکردی تهاجمی‌تر در قبال ایران اتخاذ کرد. او در ۱۸ فروردین ۱۴۰۴ اعلام کرد که مذاکرات مستقیم با ایران آغاز شده و تا ۲۳ فروردین ادامه خواهد داشت. این تغییر، ریشه در دیدگاه او مبنی بر کاهش وابستگی به متحدان اروپایی دارد. در همین راستا کارشناسان معتقدند ترامپ از ناتو و اروپا انتقاد کرده و خواستار خودکفایی دفاعی آن‌ها شده است. این دیدگاه، مذاکرات با ایران را نیز تحت‌تأثیر قرار داد. در همین راستا سمید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزارت خارجه کشورما، به «فاپناشال تایمز» گفته بود: «اروپا دیگر بازیگر تأثیرگذاری نیست.» این اظهار نظر، بازتابی از ضعف دیپلماتیک اروپا پس از ناکامی در احیای برجام و ناتوانی در مقابله با تحریم‌های آمریکا بود.

◀ **عوامل سیاسی و دیپلماتیک**

اروپا در مواجهه با ترامپ با اختلاف نظرهای داخلی روبه‌روست. این عدم انسجام، اعتماد ترامپ و ایران به اروپا را کاهش داد و آن‌ها را از میز مذاکره دور کرد. از سوی دیگر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، که با ترامپ در کاخ سفید دیدار کرد، نقش مهمی در این انزوا داشت. نتانیاهو از «گزینه لیبی» برای برچیدن برنامه هسته‌ای ایران حمایت کرد و خواستار رویکرد سخت‌گیرانه‌تر آمریکا شد. این فشار، احتمالات ترامپ را به حذف اروپا، که مواضع ملایم‌تری دارد، ترغیب کرده است. عمان نیز که از دهه‌ها پیش به عنوان میانجی بی‌طرف بین ایران و غرب شناخته شده در این مساله اثرگذار بوده است، مذاکرات عمان که بدون حضور اروپا پیش می‌رود، نشان دهنده ترجیح ترامپ و ایران به استفاده از کانال‌های غیراروپایی است که سرعت و محرمانگی بیشتری فراهم می‌کند، کنارگذاشته شدن اروپا از مذاکرات، جایگاه دیپلماتیک این اتحادیه را تضعیف کرده است. در همین راستا کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، به «پارسی» گفت: «هر راه حل سریع یک معامله کثیف است.» این اظهار نظر نشان دهنده نگرانی اروپا از این انزواست، اما ناتوانی در واکنش مؤثر، اعتبار آن را بیش از پیش زیرسؤال برده است. از سوی دیگر ترامپ با حذف آمریکا از سبگانی روسیه به متحدان ارسال کرد که آمریکا قصد دارد به تنهایی سیاست خارجی خود را پیش ببرد.

◀ **نادیده گرفتن اروپا**

ترامپ با کنارگذاشتن اروپا، به دنبال نمایش قدرت و کنترل مستقیم بر مذاکرات است. او تأکید کرد: «اگر مذاکرات موفق نباشد، ایران در خطر بزرگی خواهد بود.» این تهدید، همراه با حذف واسطه‌ها، نشان‌دهنده تمایل او به دستیابی سریع به توافق یا توجیه اقدامات نظامی است. اما ایران نیز با پذیرش مذاکرات بدون اروپا، به دنبال کاهش پیچیدگی‌ها و تمرکز بر منافع اقتصادی است. چه آنکه ناظران سیاسی معتقدند تهران به دنبال «توافقی موقت» برای لغو بخشی از تحریم‌هاست. این استراتژی، انعطاف‌پذیری ایران را نشان می‌دهد، اما به کاهش نقش اروپا نیز کمک کرده است. این در حالی است که اروپا از این انزوا نگران است، زیرا هم از نظر امنیتی (برنامه هسته‌ای ایران) و هم از نظر اقتصادی (تجارت با ایران) تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. ناظران سیاسی معتقدند که رهبران اروپایی از کنار گذاشته شدن در مذاکرات ترامپ و بوئین نیز هراس دارند و این روند در مورد ایران نگرانی‌های مشابهی ایجاد کرده است. در یک سطح تحلیل کلان، کنارگذاشتن اروپایی‌ها از مذاکرات ایران و ترامپ نتیجه ترکیبی از استراتژی ترامپ برای یکجانبه‌گرایی، کاهش نفوذ اروپا، و ترجیح ایران به گفت‌وگوی بدون واسطه‌های ذبیغع است. از اول بهمن ۱۴۰۳ که ترامپ قدرت را به دست گرفت تا ۴ فروردین ۱۴۰۴ که مذاکرات عمان در جریان قرار گرفت، اروپا از یک بازیگر کلیدی به ناظری منفعل تبدیل شده است. این تحول، نه تنها دیپلماسی اروپا را تضعیف کرده، بلکه روابطش با آمریکا را نیز به چالش کشیده است. حالا باید دید آیا اروپا می‌تواند جایگاه خود را بازسازی کند، یا این انزوا به یک رویه دائمی در دیپلماسی غرب تبدیل خواهد شد؟